

# آثار تربیتی و فرهنگی حج

محمد مسجد جامعی

## زیارت و حج در آیین‌های پیشین

ادیان و تمدن‌های شناخته شده از دیرباز مراسمی به عنوان زیارت داشته‌اند؛ به این معنی که پیروان آن ادیان برای وفای به نذر و عهد و یا سپاسگزاری و تشکر و یا به دلیل کمک گرفتن و برکت طلبیدن از خدا و یا خدایان و الهه‌ها و یا ارواح مقدسی که بدان اعتقاد داشته‌اند، به مکان‌هایی که از نظر آن‌ها مقدس بوده، می‌رفته‌اند و عموماً برای آنان هدیه و قربانی می‌برده‌اند.

حتی در تمدن‌های بت پرستی که کمتر تحت تأثیر دین بوده‌اند، همچون تمدن یونان و روم، این مراسم وجود داشته است. یونانیان و رومیان قدیم برای سپاسگزاری و یا جلب

رضایت و مساعدت آله‌ها پیشان، به معابد و مکان‌هایی که بدان‌ها تعلق داشت می‌رفته‌اند و مراسم را با انجام قربانی و با کیفیتی بسیار باشکوه به پایان می‌برده‌اند. بسیاری از این مکان‌ها و معابد هنوز باقی است و اسناد و شواهد فراوانی وجود دارد که حکایت از کیفیت و عظمت مراسمی می‌کند که توسط آنان به جا آورده می‌شده است.

این مراسم آنچنان شایع بود که معروف است:

حواری بزرگ، پولس مقدس، خوردن گوشت این قربانی‌ها را - که برای الهه‌های رومی ذبح می‌شدند - بر مسیحیان حرام کرده بود. این مراسم در مصر قدیم و با کیفیتی شکوهمندتر برگزار می‌شد. در میان ادیان بزرگ غیر ابراهیمی بوداییان و هندوها و نیز زرتشتیان چنین مراسمی داشته و دارند. حتی ادیان کوچکی که بعدها از اختلاط ادیان بزرگ سر بر آورد، همچون سیک‌ها، نیز مراسمی به عنوان مراسم زیارت مقدس دارند که برای آنان به مثابه حج است.

زیارت مقدس برای ادیان ابراهیمی - که میراث داران ابراهیم هستند - دارای معنای بیشتر و عمیق‌تری بوده است. هم یهودیان و هم مسیحیان، حج خاص خود را داشته و دارند. قرآن کریم می‌فرماید: ﴿لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ﴾<sup>۱</sup>

از این دیدگاه، زیارت مکان‌های مقدس و مورد احترام و انجام یک سلسله اعمال، گویی یکی از شاخصه‌های گروه‌های اجتماعی؛ اعم از دینی و غیر دینی بوده است. این پدیده حتی از روزگار جدید هم، اگر چه به نوعی دیگر، وجود دارد.

یکی از بهترین نمونه‌ها مراسمی بود که معتقدان به اندیشه کمونیستی نسبت به قبر لنین در میدان سرخ مسکو به جا می‌آوردند. تا قبل از سقوط بلوک شرق و تجزیه امپراتوری شوروی، زیارت قبر لنین، با مراسم خاص آن، یکی از واجبات ایدئولوژیک و میهنی برای مقامات شوروی و اعضای حزب کمونیست آن و بلکه همه شهروندان این کشور بود. افزون بر این، اعضای حزب کمونیست کشورهای دیگری که از مسکو دیدن می‌کردند می‌بایست این مراسم را، با همان کیفیت مقرر به انجام می‌رساندند.

با این همه، حج در اسلام داستان دیگری دارد. حج از ارکان اسلام است که اولاً فرد مسلمان می‌باید به وجوب آن و آن هم با کیفیت مقرر، معتقد باشد و ثانیاً در صورت داشتن شرایط، باید آن را به جا آورد. این بدان معناست که حج بخشی تجزیه‌ناپذیر از اسلام است



و لذا تا این دین وجود دارد، این مراسم وجود خواهد داشت، با همان کیفیتی که تعریف و تحدید شده است.

در حالی که زیارت مقدس در ادیان و تمدن‌های دیگر چنین نبوده است؛ زیرا اولاً: از نظر آنان این زیارت امری واجب نبود و ثانیاً: اعمالی را که طی این زیارت به جامی آوردند، بدان گونه که با دقت و تفصیل در اسلام بیان شده، نبوده است. اگر چه ممکن است در فترت‌هایی و به دلایلی چنین درکی وجود داشته باشد، اما این جریانی عمومی و دائمی نبوده است. به عبارت دیگر، زیارت برای آنان امری شایسته و پسندیده بوده که موجب گشایش و برکت و رحمت و موفقیت می‌شود و نه امری واجب در مفهوم اسلامی آن و مهم‌تر آن که آداب و رسوم متعلق بدان، کیفیت الزامی مراسم حج را نداشته است. اگر چه اصل زیارت مکان مقدس و انجام مراسمی در این مکان، در زمانی خاص و با کیفیتی مخصوص، ویژگی مشترک عموم ادیان و تمدن‌ها است، اما تفاوتی بزرگ بین حج، آنگونه که در اسلام وجود دارد و زیارت دیگران، وجود داشته و دارد.

احتمالاً تحلیل لغوی بتواند تا اندازه‌ای موضوع را روشن کند. معنای لغوی کلمه «حج»، قصد کردن است و بدان لحاظ این مجموعه از اعمال را «حج» می‌گویند که حاج قصد می‌کند زیارت خانه خدا را و با روشی که مقرر است، انجام دهد.<sup>۱</sup>

معادل کلمه حج در زبان‌های اروپایی، کلماتی است که از ریشه لاتینی «Peregrinus» آمده و این به معنای سفر است، اما سفر به مکانی ناشناخته و طولانی و بدون لحاظ فایده عملی و مشخص.

بنابراین، این کلمه در مواردی که سفر به منطقه‌ای معلوم و شناخته شده انجام می‌شود و یا هدف از آن تجارت و نیل به سود خاصی است، به کار برده نمی‌شود. اصل این است که این سفر انجام شود و نه بیشتر.

با توجه به شرایط سفر در دوران گذشته، این نکته قابل درک است. سفر در آن ایام اقدامی خطرناک و بلکه مهلک بود و کسی که به این سفر مبادرت می‌ورزید به واقع خود را در معرض انواع مشکلات و خطرها قرار می‌داد. لذا آنچه از وی می‌خواستند صرف سفر بود و نه رعایت آداب و رسوم خاص، بدانگونه که در نزد ما شناخته شده است. مهم انجام آن بود و نه کیفیت اجرای آن.<sup>۲</sup>

### تفاوت حج در اسلام و دیگر ادیان

- آنچه در مورد حج و تفاوتش با زیارت در ادیان دیگر گفته شد، به تفاوت این دین و ادیان دیگر باز می‌گردد. اسلام دینی است که هم اصول اعتقادی و هم تکالیف عملی‌اش قاطع، مشخص، روشن و مفهوم است. فاقد پیچیدگی‌های کلامی و فلسفی و اعتقادی است. دستورات عملی و عبادی آن هم به همین گونه است. واقعیت این است که این شفافیت و وضوح در ادیان دیگر وجود ندارد. معلوم و قابل درک است که چه می‌گوید و چه می‌طلبد. همچنانکه مبانی و اصولی که براساس آن می‌باید وظایف فرد مکلف تعریف شود، بدون ابهام و قطعی است.

این ویژگی موجب شده که این دین در برخورد با زمان و تحولات آن مسیری متفاوت با ادیان دیگر طی کند. تحولات دوران جدید نتوانسته دایره تکالیف اسلامی را محدودتر کند، حال آن که در ادیان دیگر چنین اتفاقی افتاده است. امروزه مسلمانان به همانگونه و با

همان شرایطی روزه می گیرند که در گذشته می گرفتند، حال آن که روزه در نزد مسیحیان، زمان، مدت، کیفیت و الزامش تغییرات فراوانی را شاهد بوده است. تکالیف و واجبات عبادی و غیر عبادی یک مسیحی، متعلق به هر کلیسایی که باشد، در یک قرن پیش متفاوت بوده با تکالیف و واجبات یک مسیحی در روزگار ما. اما در مورد مسلمانان مسأله این گونه نیست.

احتمالاً به همین علت است که هم اکنون حج مهم ترین اجتماع منظم و سالیانه عبادی دنیای ما است. در حالی که در گذشته چنین نبود. تحولات زمان، نه در اصل وجوب حج تغییری ایجاد کرده و نه در آداب و رسوم و فرهنگ عبادی آن؛ چرا که این همه، در خود اسلام ریشه دارد.

#### آداب و رسوم و نتایج تربیتی - فرهنگی حج

آن گونه که از قرآن مجید و روایات و متون اسلامی بر می آید، مناسک حج<sup>۴</sup> به دوران حضرت ابراهیم علیه السلام باز می گردد. ابراهیم و اسماعیل پس از آن که خانه کعبه را بنا نهادند، از خداوند خواستند که آن دو را مطیع و فرمانبردار خویش قرار دهد و شیوه پرستش و انجام حج را به آنها بنمایاند.<sup>۵</sup> این بدان معنا است که آداب و رسوم حج مسبوق به سابقه ای است که به ایام ابراهیم خلیل بر می گردد.

در سیاق همین آیات، قرآن می فرماید: «به ابراهیم و اسماعیل عهد کردیم که خانه مرا برای طواف کنندگان و معجوران و نماز گزاران پاکیزه دارید.»<sup>۶</sup> و در جای دیگر می فرماید: «...به ابراهیم گفتیم - خانه مرا برای طواف کنندگان و قیام کنندگان و رکوع کنندگان سجده کننده، پاکیزه دار.»<sup>۷</sup>

این آیات نشان دهنده آن است که مناسک حج و یا شیوه ها و روش های عمل عبادی حج، از سوی خداوند به ابراهیم الهام شده؛ همچنان که خداوند از ابراهیم می خواهد مکان حج را پاکیزه دارد. و این بدین معنا است که حج عملی است عبادی که حداقل به روزگار جناب ابراهیم علیه السلام باز می گردد. اگرچه روایاتی وجود دارد که این زمان را به قبل از آن حضرت بر می گرداند، اما احتمالاً این به معنای تقدس مکان حج از نخستین ایام آفرینش زمین است و نه فریضه بودن آن برای مکلفین.<sup>۸</sup>



اگر حج را عملی عبادی و نه مجموعه‌ای از آداب و رسوم لحاظ کنیم، شرط صحت آن قصد قربت است و این‌که باید صرفاً به انگیزه اطاعت از خداوند - و نه هیچ انگیزه دیگر - انجام گیرد تا بتواند مقبول شود. این درست است که قصد قربت شرط صحت هر عبادتی است، اما این شرط در مورد حج با تأکید بیشتری مورد توجه است.



اگر حج را عملی عبادی و نه مجموعه‌ای از آداب و رسوم لحاظ کنیم، شرط صحت آن قصد قربت است و این‌که باید صرفاً به انگیزه اطاعت از خداوند - و نه هیچ انگیزه دیگر - انجام گیرد تا بتواند مقبول شود. این درست است که قصد قربت شرط صحت هر عبادتی است، اما این شرط در مورد حج با تأکید بیشتری مورد توجه است. قرآن می‌فرماید:

«حج باید در ماه‌های شناخته شده انجام پذیرد... و هرکار خوبی که انجام دهید، خداوند بدان آگاه است و ره‌توشه بردارید که بهترین ره توشه پرهیزکاری و تقوا است. ای خردمندان از من پروا کنید.»<sup>۱</sup>

و سپس چنین ادامه می‌دهد:

«چون از عرفات رهسپار شدید، پس خداوند را در مشعرالحرام یاد کنید. و او را همانگونه که هدایت‌تان کرده، به یاد آورید... سپس از همانجا که مردمان رهسپار می‌شوند، رهسپار شوید و استغفار کنید که خداوند غفور و رحیم است. پس چون مناسک حج را به جای آورید، خداوند را به یاد آورید؛ چونان یاد آوری پدران‌تان و یا بیش از آن.»<sup>۱</sup>



و به دنبال آن می‌فرماید:

«از مردمان کسانی هستند که می‌گویند خداوندا! در این جهان به ما نعمت ده و در جهان دیگر آنان را بهره‌ای نیست. و از ایشان کسانی هستند که می‌گویند: خداوندا! در این جهان و جهان دیگر به ما نعمت و نکویی ده و ما را از عذاب آتش نگاه دار.»

این کیفیت بیان و تأکید فراوان بر یاد و ذکر خداوند، در مقاطع مختلفی که طی آن مناسک حج توضیح داده شده، استثنایی است. و بالاخره در پایان به مؤمنان تذکر می‌دهد که چگونه دعا کنند و حاجت بطلبند؛ دعایی که صرفاً برای دنیا و رفاه دنیوی نیست، بلکه برای سعادت دنیوی و فلاح اخروی است و نیز در خواست و برکناری از عذاب جهان دیگر.

#### حج، بالایشگاه نفس و قرنطینه اخلاقی

- به جز قصد قربت که تمامی اعمال حج آکنده از آن است، حاجی باید شرایط دیگری را نیز رعایت کند. این شرایط عمدتاً اخلاقی و رفتاری است. «پس کسی که - در آن ماه‌ها - حج می‌گزارد بداند که در اثنای حج به رفت، فسوق و جدال نزدیک نشود.»<sup>۱۱</sup> چرا که حج جایی برای ارتکاب چنین اعمالی نیست.

اصولاً مکان‌های مقدسی که در آن اعمال حج انجام می‌گیرد، محیط‌هایی است با امنیت. امنیت برای همگان. برای حیوانات و رویدنی‌ها. حتی بدن انسان نسبت به تصرفات غیر مجاز خود انسان امنیت دارد و در فقه تفصیل این تصرفات توضیح داده شده است. انسان نمی‌تواند بدن خود را بیازارد و امنیت و آرامش او را از بین ببرد.

این مکان‌ها حرم است و همگان وظیفه دارند حرمت و سلامت و امنیت آن را حفظ کنند. در غیر این صورت مرتکب گناه شده و می‌باید جریمه و کفاره بپردازند.

این مجموعه شرایط و دستوراتی که می‌باید توسط حاج رعایت شود، به‌ویژه آنچه به تروک احرام مربوط می‌شود، او را در نوعی قرنطینه اخلاقی و رفتاری قرار می‌دهد. علاوه بر این، تقدس و برکت این امکنه و مواقف و آثار وضعی قرار داشتن در آن‌ها و در آن ایام

خاص و نیز عبادت و تضرع جمعی، خواه و ناخواه انسان را عمیقاً تحت تأثیر قرار می‌دهد. به واقع مهم‌ترین بُعد حج بعد تربیتی آن است. گویی مجموعه اعمال و مناسک به گونه‌ای طراحی شده که حاجی را در مسیر رحمت و مغفرت الهی قرار دهد و او را از درون متحول سازد، اگر چه درجات این تحول وابسته است به میزان آمادگی انسان در قرارداد خود در معرض رحمت الهی و دگرگون ساختن ساختار شخصیتی و اخلاقی و رفتاری‌اش. اصولاً بدان علت به اعمال حج «مناسک» می‌گویند که این اعمال موجب تطهیر و پالایش نفس می‌گردد. «نسک» به معنای پاک و پاکیزه کردن است؛ چنانکه در مورد شستن لباس «نسک ثوبه» می‌گویند. گویی این اعمال موجب شست‌وشوی انسان از زنگار گناه و پلیدی می‌شود و به همین دلیل است بیشتر کسانی که مشرف می‌شوند، علی‌رغم مشکلات جانبی و سختی سفر و اعمال حج، باز هم مایل و مشتاق به تشرّف هستند.<sup>۱۳</sup>

مهم‌ترین بُعد حج بعد تربیتی آن است. گویی مجموعه اعمال و مناسک به گونه‌ای طراحی شده که حاجی را در مسیر رحمت و مغفرت الهی قرار دهد و او را از درون متحول سازد، اگر چه درجات این تحول وابسته است به میزان آمادگی انسان در قرارداد خود در معرض رحمت الهی و دگرگون ساختن ساختار شخصیتی و اخلاقی و رفتاری‌اش.



اطلاع از همین ویژگی‌ها است که مسلمانان را مشتاق به حج و یا حتی زیارت عمره می‌کند. آن‌ها تأثیر این همه را در کسانی که به حج رفته‌اند، می‌بینند و البته آیات و روایات این باب نیز آنان را بدان تشویق و ترغیب می‌کند. چنین نیست که حج مشتمل بر اعمال و آداب و رسومی سنت‌گونه باشد. برای آن است که انسان را تغییر دهد و خدایی کند و او را شایسته سازد که در مسیر رحمت و مغفرت الهی قرار گیرد.



چنانکه گفتیم اصل فریضه حج و مناسک آن، توسط حضرت ابراهیم ابلاغ و بیان شد. در طول زمان این مراسم، به‌ویژه توسط اعراب مورد عمل قرار می‌گرفت،<sup>۱۴</sup> اما تغییرات و تحریقاتی در آن ایجاد شد که بخشی از آن در قرآن نقل شده و مورد نقد قرار گرفته است. این مناسک توسط اسلام پالایش شد و پیامبر ﷺ در آخرین سال حیات خود در رأس بزرگترین اجتماع مسلمانان آن زمان به حج رفتند و تمامی آداب و رسوم آن را به مسلمانان، به‌گونه‌ای عملی آموزش دادند و احتمالاً به همین علت، اختلاف مذاهب فقهی اسلامی در مورد حج، در مقایسه با فروع دیگر، کمتر است.

واقعیت این است که حج به دلایلی که به برخی از آن‌ها اشارت رفت، در بیان احکام اسلامی دارای جایگاه ویژه‌ای در میان امت اسلامی در طول تاریخ بوده است. این فریضه، در سراسر قلمرو مسلمان‌نشین، عواطف و احساسات و فرهنگ دینی - مردمی خاصی به‌وجود آورده است. از دیرباز، در نقاط مختلف، ایده‌آل و آرمان هر مسلمانی، در هر وضعیتی که می‌زیست، آن بود که به حج مشرف شود.

همچنانکه حاجی نیز موقعیت ویژه و فرهنگ رفتاری مخصوص خود را داشته است؛ فرهنگی که هم خودش بدان عامل بود و هم دیگران متوقع بودند که او در چارچوب آن فرهنگ عمل و رفتار کند. این جریان در علاقمندی مردم نسبت به اسلام و ایجاد نهادهای اجتماعی - فرهنگی که در خدمت تقویت دین و اخلاق و فرهنگ دینی بود، نقش فراوانی داشت که این همه در نهایت در جهت تقویت هویت مستقل اسلامی در شخص و جامعه اسلامی بوده است. همین هویت بود که به آنان در برابر تهاجم و تعرض دیگران قدرت و مصونیت می‌بخشید و مانع از نفوذ و دست‌اندازی بیگانگان می‌شد.<sup>۱۵</sup>

این ماجرا که چگونه حج و فرهنگ برآمده از آن، به حفظ استقلال و سیادت مسلمانان کمک کرد، به‌ویژه در غرب اسلامی، یکی از دلکش‌ترین فرازهای تاریخ اسلام است. هنوز هم حج و مکان‌های مقدس آن، یکی از مهمترین پایگاه‌های حفظ اصالت و هویت اسلامی است. امروزه، تابلوها و هر نوع اثری که حاکی از مکه و مکان‌های مقدس آن و به‌ویژه مسجد الحرام باشد، شایع‌ترین و محبوب‌ترین تابلو و اثری است که در سراسر قلمرو مسلمان‌نشین یافت می‌شود. عموم مسلمانان دوست دارند تصاویر تلویزیونی مسجد الحرام و نماز و

دیگر مراسمی را که در این مسجد برگزار می‌شود، مشاهده کنند. این ناشی از عمق اعتقاد آن‌ها است و همین تمایل موجب تقویت ایمان و نیز هویت مستقل اسلامی آن‌ها است. در دنیایی که همه به سوی مصرف‌گرایی و ارزش‌های صرفاً مادی و لذت‌جویانه هجوم آورده‌اند، اسلام می‌کوشد پیروانش را در برابر این موج حفظ‌کنند و هویت و مصونیت بخشد. بی‌شک حج و امکنه مقدس آن، در این میان نقشی تعیین‌کننده و منحصر به فرد دارند.

از این دیدگاه، حج تنها زائرانش را متأثر نمی‌کند، بلکه جامعه اسلامی و همه مسلمانان را تحت تأثیر قرار می‌دهد و برای آن‌ها معنویت و اخلاق و تربیت و هویت دینی به ارمغان می‌آورد.



### پی نوشت ها:

۱. حج: ۶۷
۲. المیزان، ج ۱۴، ص ۳۶۸؛ مفردات راغب، ذیل واژه «حج».
۳. برای توضیح بیشتر در مورد معانی کلمه peregrinus ر.ک. به: مقاله مفصلی که تحت عنوان peregrinaggio دایرة المعارف کاتریکی آمده است: Enciclopedia cattolica, vol 1X, PP, 1079-1086, Città del Vaticano 1952
- همچنین ر.ک. به: مقاله Pellegrinaggio در دایرة المعارف آیین یهود: Encyclopedia Judaica, Keter Publishing House, Jerusalem, 1996
۴. مناسک الحج: عباداته و قیل مواضع العبادات... و نسک: ترهّد و تعبّد. مصباح المنیر، ص ۳۰۹
۵. بقره: ۱۲۷
۶. بقره: ۱۲۵
۷. حج: ۲۶
۸. روزی زراره که از خواص اصحاب امام صادق علیه السلام است به آن حضرت می گوید: «جَعَلَنِي اللهُ فِدَاكَ أَسْأَلُكَ فِي الْحَجِّ مُنْذُ أَرْبَعِينَ عَامًا فَتَقَبَّلْنِي؟! فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ، بَيَّتَ حُجَّ إِلَيْهِ قَبْلَ آدَمَ بِالْفَتَى عَامَ تُرِيدُ أَنْ تَفْنَى مَسْأَلُهُ فِي أَرْبَعِينَ عَامًا؟!». وسائل الشیعه، ج ۸، ص ۷
۹. «الْحَجُّ أَشْهُرُ مَعْلُومَاتٍ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفْتٌ وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ يَعْلَمُهُ اللهُ وَتَرَوُودُوا فَإِنَّ خَيْرَ الرِّادِ التَّقْوَى وَاتَّقُوا يَا أُولِي الْأَلْبَابِ» (بقره: ۱۹۷)
۱۰. «فَإِذَا أَقَضْتُمْ مِنْ عَرَفَاتٍ فَادْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ

الْحَرَامِ وَادْكُرُوهُ كَمَا هَدَاكُمْ... نَسَمَ أَفِضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ. فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَاسِكَكُمْ فَاذْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ آبَاءَكُمْ...» (بقره: ۲۰۰ - ۱۹۸)

۱۱. بقره: ۲۰۱

۱۲. بقره: ۱۹۷

۱۳. امام رضا علیه السلام در پاسخ به محمد بن سنان درباره حج و فلسفه آن چنین می فرماید: «وَعَلِمَةُ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَطَلَبُ الرِّيَادَةِ وَالْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا اقْتَرَفَ وَ لِيَكُونَ تَأْتِبًا مِمَّا مَضَى مُسْتَأْتِبًا لِمَا يَسْتَقْبِلُ وَمَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ وَتَعَبِ الْأَيْدِيَانِ وَحَظْرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَاللَّذَّاتِ وَالتَّقَرُّبِ بِالْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ - عَزَّ وَجَلَّ - وَالْخُضُوعِ وَالاسْتِئْكَانَةِ وَالدَّلِّ شَاخِصًا إِلَيْهِ فِي الْحَرِّ وَالتَّبَرُّدِ وَالأَمْنِ وَالتَّخَوُّفِ...» عيون اخبار الرضا، شيخ صدوق، ج ۲، ص ۹۰

۱۴. درباره آداب و رسوم حج در میان اعراب قبل از اسلام ر.ک. به: الدكتور جواد علی، المفصل فی تاریخ العرف قبل الاسلام ج ۶، ص ۳۹۸ - ۳۴۷، چاپ دوم، ۱۹۹۳

۱۵. شيخ محمود شلتوت در توضیح «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ» به خوبی این نکات را توضیح می دهد. العقيدة و الشريعة فی الاسلام، صص ۹۹ - ۱۰۰

همچنین در مورد منافع دنیوی و اخروی حج، در ذیل همین آیه، نگاه کنید به توضیحات مفصل و دقیق علامه طباطبایی، المیزان، ج ۱۴، صص ۳۷۰ - ۳۶۹.

وقد تقدم فيما مر أن عمل الحج بما له من الأركان والأجزاء يمثل دورة كاملة مما جرى على إبراهيم عليه السلام في مسيره في مراحل التوحيد ونفى الشرك و

إخلاص العبودية لله سبحانه.

فإتيان الناس إبراهيم عليه السلام أي حضورهم عند البيت لزيارته يستعقب شهودهم هذه المنافع أخروياً و دنيوياً و إذا شهدوها تعلقوا بها فالإنسان مجبول على حب النفع.

فالمنافع التي جعل الحج سبيلاً لشهودها والحصول عليها وهي أول ما ذكر في حكمة الحج - عامة مطلقة، لم تقيد بنوع دون نوع، ولا ناحية دون ناحية، وهي بعمومها وإطلاقها، تشمل كل ما ينفع الفرد والجماعة، ويصلح شأنهما فطهارة النفس، والتقرب إلى الله، منفعة، والتشاور في رسم خطط العلم والثقافة، وفي جمع الكلمة على تركيز الدعوة، والعمل على إظهار الإسلام بسماحته وأحكامه الرشيدة، منفعة، وإعداد العدة لتسيح خيوط الشخصية الإسلامية، ثوباً واحداً، منفعة، وأي منفعة، وامتلاء القلوب بمبدأ المحافظة على تلك الشخصية من التحلل والذوبان، منفعة، وهكذا تعدد المنافع وتتنوع على حسب مقتضيات الأحوال التي توحى بها الأزمنة ومواقف الناس من الناس.

وَ عَلَّةُ الْحَجِّ الْوَفَادَةُ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ طَلَبُ الرِّيَازَةِ وَ الْخُرُوجُ مِنْ كُلِّ مَا أَقْتَرَفَ وَ لِيَكُونَ تَائِباً مِمَّا مَضَى، مُسْتَأْنِفاً لِمَا يَسْتَقْبَلُ، وَمَا فِيهِ مِنْ اسْتِخْرَاجِ الْأَمْوَالِ، وَ تَعَسُّبِ الْأُبْدَانِ، وَ حَظْرِهَا عَنِ الشَّهَوَاتِ وَ اللَّذَاتِ، وَ التَّكْرُّبِ بِالْعِبَادَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ الْخُضُوعِ وَ الْاسْتِكَانَةِ وَ الدُّلِّ، شَاخِصاً إِلَيْهِ فِي الْحَرِّ وَ الْبَرْدِ وَ الْأَمْسِنِ وَ الْخَوْفِ، دَائِباً فِي ذَلِكَ دَائِماً، وَمَا فِي ذَلِكَ لِجَمِيعِ الْخَلْقِ مِنْ الْمَنَافِعِ وَ الرِّغْبَةِ وَ الرِّهْبَةِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ، وَ مِنْهُ تَرْكُ قَسَاوَةِ الْقَلْبِ وَ جَسَارَةِ الْأَنْفُسِ، وَ نِسْيَانِ الذِّكْرِ، وَ انْقِطَاعِ الرَّجَاءِ وَ الْعَمَلِ وَ تَجْدِيدِ الْحُقُوقِ وَ حَظْرِ النَّفْسِ عَنِ الْفَسَادِ، وَ مَنَفَعَةٍ مِنْ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا وَ مَنْ فِي الْبَسْرِ وَ الْبَحْرِ مِمَّنْ يَحُجُّ وَ مِمَّنْ لَا يَحُجُّ مِنْ تَاجِرٍ وَ جَالِبٍ وَ بَائِعٍ وَ مُشْتَرٍ وَ كَاسِبٍ وَ مُسْكِينٍ، وَ قَضَاءِ حَوَائِجِ أَهْلِ الْأَطْرَافِ وَ الْمَوَاضِعِ الْمُمَكِّنِ لَهُمُ الْاجْتِمَاعَ فِيهَا كَذَلِكَ «لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ».